

نقش مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال

عبدالمهدی شریف نژاد^۱

بهنام یوسفیان شوره دلی^۲

محمدجواد باقی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی نقش تربیتی مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال است. در این پژوهش ضمن بررسی نقش معلمان، مشاوران، برنامه‌های انجمن اولیا و مربیان، همکاری خانواده‌ها با مدارس با توجه به نقش تربیتی خانواده‌ها اثر بخشی برنامه‌ها و آموزش‌های مدارس در کاهش بزهکاری اطفال مورد بررسی قرار گرفته است. محقق در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی وظایف آموزشی و پرورشی مدارس، به بررسی و نقش مدارس در پیشگیری از بزهکاری پرداخته است. حوزه پژوهش کلیه متون روایی مرتبط با نقش تربیتی و پرورشی مدارس، پژوهش‌های انجام شده و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. جمع آوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه ای و با استفاده از منابع الکترونیکی، تحقیقات انجام شده و مراجعه به برخی پرونده‌های تربیتی دانش‌آموزان بزهکار بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس رویکرد توصیفی تفسیری است. با توجه به این که رشد شخصیتی و اجتماعی فرد حاصل تأثیر و تأثر با محیط است و از آنجایی که دانش‌آموزان بیشترین وقت خود را در محیط مدرسه و خانواده می‌گذرانند مدارس می‌توانند با همکاری خانواده‌ها نقش مهمی در پیشگیری و مدیریت بزهکاری دانش‌آموزان ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: اطفال، بزهکاری، پیشگیری، مدرسه

۱ - دانشجوی دکتری، رشته حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران، mehdi21592159@gmail.com

۲ - استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول).

۳ - استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

مقدمه

مسأله بزهکاری اطفال و نوجوانان، از جمله مسائل بگرنج اجتماعی است که امروزه مورد توجه زیادی قرار گرفته است و به همان نسبت گسترش ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان، بر کوشش پژوهندگان و متخصصین امر در یافتن راه حل هایی جهت پیشگیری از بزهکاری آنها نیز افزوده شده است. شناخت عوامل موجد انحراف و بزهکاری کودکان و نوجوانان و اتخاذ تدابیر صحیح پیشگیرانه عمومی و خصوصی در سطح کل جامعه، اعضا و گروه های آسیب پذیر آن و افراد و گروه های در معرض خطر بزهکاری در کاهش جرایم این گروه سنی تاثیر مستقیم و غیر قابل انکاری دارد. پیشگیری از وقوع جرم و بکارگیری تدابیر مناسب در مقابله با جرم و بزهکاری از مهم ترین ابعاد سلبی توسعه در جوامع انسانی است. در کنار شاخص های ایجابی توسعه انسانی و اجتماعی مانند بهداشت، رفاه، آموزش و اشتغال، کاهش نرخ جرم و انحراف های اجتماعی و بکارگیری مناسب ترین رویکردهای پیشگیرانه را می توان از مهم ترین ابعاد سلبی توسعه در جامعه دانست؛ از این رو بخش قابل توجهی از توان کشورها صرف پژوهش و بررسی در زمینه تدوین کارآمدترین سیاست های جنایی پیشگیرانه می شود. تعمیق اندیشه های جرم شناختی و علمی شدن شناخت و مقابله با پدیده های مجرمانه، به طور مداوم جلوه های نوینی از تدابیر پیشگیرانه را به سیاست گذاران این عرصه نشان می دهد. این انکشاف، نه تنها دست اندرکاران ملی تدوین سیاست جنایی پیشگیرانه، بلکه نهادهای بین المللی و منطقه ای ذی نقش در این زمینه را تحت تاثیر قرار داده است (الفت، ۱۳۹۷: ۶). افزایش میزان بزهکاری کودکان، با توجه به تنوع در اشکال آن، از یک سو و تهدید جامعه از طریق ایجاد احساس ناامنی و ترس از جرم از سوی دیگر، مطالعه همه جانبه بزهکاری این گروه سنتی و ارائه سازوکارهایی برای مهار و مبارزه با بزهکاری آنان را ضروری می نماید (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۶). پس از خانواده، مدارس مهمترین و اصلی ترین مکان های حضور دانش آموزان هستند که از تأثیرگذارترین اماکن بر سیر تکوین شخصیت ایشان محسوب می شوند، محیط مدرسه در شکل دهی شخصیت دانش آموزان نقش به سزایی دارد و بخشی از سرنوشت و آینده دانش آموزان در مدرسه رقم می خورد. برنامه های مبتنی بر مدرسه متمرکز بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت های اجتماعی و مهارت هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و ایجاد کلاسهایی برای والدین به منظور آموزش آنها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان، می باشند. در اهمیت نقش پیشگیری در آموزش و پرورش

می‌توان آئین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ اشاره کرد که در آن، وزارت آموزش- و پرورش مکلف است تدابیری را برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان و شناسایی کودکان در معرض خطر فراهم آورد (محمدی، بیژنی میرزا و حاتمی، ۱۳۹۷: ۲۴۳). اگرچه تحقیقات مستقلی در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان نگاشته شده و همچنین تحقیقات مستقلی پیرامون مبانی نظری پیشگیری از بزه به رشته تحریر درآمده است، اما پیوند دادن این دو موضوع به یکدیگر یعنی پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان با تکیه بر نقش مدارس کمتر به چشم می‌خورد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی پدیده بزهکاری با نگاه به نقش مدارس در آگاه‌سازی دانش‌آموزان پایه ریزی شده است. هدف دیگر این پژوهش جلب توجه و افزایش آگاهی اولیا دانش‌آموزان نسبت به همکاری و مشارکت اولیا در برنامه‌های مدارس در خصوص مسائل تربیتی دانش‌آموزان است.

آموزش و پرورش به عنوان نهادی که افراد جامعه مدت طولانی از مهمترین سلهای زندگی خود را با آن در ارتباط هستند تأثیری انکارناپذیر در پیشگیری از وقوع بزهکاری بخصوص در سنین نوجوانی دارد (شایگان، محمدخانی و کوهی، ۱۳۹۸: ۳۱). پرونده‌های تحصیلی افراد بزهکار حاکی از آن است که درصد بالایی از جوانان بزهکار، سابقه ترک تحصیل داشته‌اند. گذشته از سوادآموزی، تربیت و پرورش شخصیتی اطفال نیز به صورت قهری به معلمان محول می‌گردد (گلاسر، ۱۳۸۴: ۱۵۲). محیط آموزشی مدارس به مثابه یک واحد کنترل اجتماعی می‌تواند با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه به کودکان بیاموزد تا با استفاده از استعدادهای خود در یک رقابت سالم و سازنده، وظایف آموزشی را به نحو احسن انجام دهند تا ضمن پیمودن مدارج ترقی، امتیازات اجتماعی و خانوادگی تحصیل کنند. فرآیند چنین امری، نظم‌پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی طفل خواهد بود (صالحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۶). تأثیر نهاد آموزشی مدرسه بر پیشگیری مرتبط با کودکان (پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی) به لحاظ ارتباط مستمر با کودک و نهاد خانواده و تأثیرگذاری آن بر دیگر نهادهای مرتبط موجب توسعه نقش و جایگاه آن در این نوع از پیشگیری شده است. از سوی دیگر امکان و زمینه‌های توفیق در برنامه‌های آموزشی سبب ترویج و اشاعه رویکردهای آموزش محور در دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان، نظیر پلیس و نهادهای حمایتی شده است (احمدی موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۱). در اعمال سیاست‌های نوین پیشگیری و مدیریت آن، تعامل نهادهای

مرتبط با پیشگیری از جرم و کج روی با یکدیگر ضروری است، نهاد آموزشی مدرسه و پیش از مدرسه در راستای وظایف قانونی خود مبتنی بر حفاظت و حمایت جسمی و روانی از کودکان در محیط‌های آموزشی و جامعه پذیر کردن آنان با دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری نظیر پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای حمایتی ارتباط منطقی و مؤثرتری داراست. امری که نبود آن به عنوان آسیبی جدی در اجرا و مدیریت برنامه‌های پیشگیری محسوب می شود (نیاز پور، ۱۳۸۵: ۷۳).

شناسایی عوامل خطر و مدیریت خطر در راستای کاهش آسیب به کودکان، محصول تعامل نهادهای مختلف اعم از نهادهای آموزشی و اجرایی و حمایتی است؛ بنابراین در طرح ریزی برنامه‌های پیشگیرانه و نهایتاً ارزیابی صحیح این برنامه ها، توجه به رویکرد چند نهادی و تعامل مؤثر بین نهادها در این خصوص ضروری است (فرجیها، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۸). مشارکت و همکاری خانواده و مدرسه موضوعی است که در راستای ارتقای کیفیت در اجرای برنامه‌های پیش گیری از بزهکاری اطفال پا به عرصه ظهور گذاشته است. اهمیت و نقش ایجاد چنین مشارکتی، خود محصول زاینده‌ی اهمیت و جایگاه والای هریک از این دو نهاد اجتماعی در بحث پیش گیری از بزهکاری اطفال می باشد. چرا که خانواده از یک طرف اولین نهادی است که طفل پس از تولد در آن پا می گذارد و از الگوهای مؤثر در یادگیری رفتاری کودکان در نخستین سال‌های زندگی به شمار می رود. ورود کودک به محیط مدرسه نیز اولین گام وی برای تطابق با اصول و مقررات اجتماعی است؛ بنابراین مشارکت خانواده و مدرسه می تواند جایگاه بسیار مهمی در زندگی اطفال و شکل گیری شخصیت آنان داشته باشد و به همین جهت می تواند نقش مهمی در امر شناسایی کودکان بزهکار یا در معرض خطر بزهکاری و حل مشکلات آنان ایفا نماید (کرمی، عبداللهی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). سازمان ملل متحد با تأکید بر اینکه کودکان و نوجوانان بیش از هر گروه سنی دیگری در معرض ارتکاب جرم قرار دارند، دولت‌ها را مکلف کرده است که به منظور پیشگیری از وقوع جرائم، امکاناتی را فراهم کنند تا کودکان و نوجوانان را به سوی تعلیم و تربیت عاری از بزهکاری هدایت کند. در اعلامیه حقوق بشر نیز که در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی انتشار یافت، آموزش و پرورش را یکی از مهمترین و اساسی ترین حقوق هر فرد انسان یاد کرده است. این اهمیت از این واقعیت نشأت می گیرد که انسان با تعدادی رفتارهای بازتابی به دنیا می آید و تمامی مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای زندگی کردن یعنی تطابق و مقابله با محیط را از راه یادگیری و شکوفایی و پرورش استعدادها بالقوه اش کسب می کند (محمدی، بیژنی میرزا و حاتمی، ۱۳۹۷: ۳۲۴). به عقیده فارابی (۳۳۹-۲۵۷

ق)، همه انسان‌ها دارای یک فطرت مشترکند. فطرت‌ها گاهی تحت تعلیم واقع می‌شوند و گاهی نمی‌شوند. هر گاه در جهت مناسب تعلیم داده شوند به مرتبه کمال مطلوب خود می‌رسند و اگر تحت تعلیم و تربیت نامناسب قرار گیرند از رسیدن به کمال باز می‌مانند. مسئله تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی، یکی از مهم‌ترین مسائل است و اگر افراد جامعه از ابتدا مورد تعلیم و تربیت صحیح واقع شوند، بنیان یک زندگی اجتماعی سالم بر پایه ارزش‌ها و اصول انسانی ریخته می‌شود که موجب فراهم شدن سعادت، خیراندیشی، تفاهم و خوشبختی برای افراد اجتماع خواهد بود (قادری، غریبی، ۱۳۸۷). اتخاذ تدابیر سنجیده مناسب در مراحل قبل و بعد از تکوین بزهکار، به واسطه کمی سن و طبع حساس و در عین حال منعطف و اصلاح پذیر کودکان و نوجوانان در راستای درست تربیت شدن و دوری از عوامل، فرصت‌ها و موقعیت‌های پرورش دهنده بزهکاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است که ماهیت ویژه دوره کودکی و نوجوانی و فشارهای موجود در جوامع که بر آنان تحمیل می‌شود و همچنین پایین آمدن سن بزهکاری و افزایش تعدد و تنوع بزهکاری آن‌ها، دولت‌ها را به مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان و اتخاذ راهبردهایی جهت مهار و کنترل بزهکاری این گروه، به عنوان سرمایه‌های انسانی و آینده سازان جامعه، ترغیب کرده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو مهمترین ضرورت‌های توجه به حوزه پیشگیری و مقابله با جرم را می‌توان چنین بیان کرد:

- افزایش ضریب امنیتی جامعه و به تبع آن افزایش میزان رضایت مردم از مسئولین
- جلوگیری از اتلاف هزینه‌های بیت المال در راه مقابله با جرایم
- ایجاد جامعه ای سالم که آمادگی پذیرش فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی را داشته باشد
- خنثی کردن تاثیرات منفی جرایم بر ابعاد اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و... (لشنی پارسا، ۱۳۸۷: ۵۲).

همچنین به طور خاص منافع اجرای برنامه های پیشگیری رشد مدار عبارتند از: کاهش میزان بزه دیدگی در جامعه. بدین معنا که برنامه های رشد مدار توانایی‌ها و قابلیت های افراد را در اجتناب از بزهکاری ارتقاء می دهند تا رفتار عقلانی در مواجهه با موقعیت های ریسک مدار از خود نشان دهند. با کاهش بزهکاری هزینه های نظام عدالت کیفری، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی نیز در جامعه کاسته می شود (بابائی، انصاری، ۱۳۹۳: ۴۸). بیشتر تحقیقات مرتبط با جرایم مدرسه ای به عوامل نهایی خطر همچون تمایل و گرایش فردی معطوف شده و به عوامل

مستقیم تر و به بیان دقیق تر موقعیت های جرم را نادیده می گیرند. به علاوه تحقیقاتی که موقعیت های جرم در مدارس را ارزیابی می کند تا حد زیادی به روش ها و مبانی نظری محدود شده است. عوامل خطر عموماً به دنبال شکست با ضعف های موجود در محیط های زندگی، تحصیلی و تفریحی کودک ایجاد شده و بدین سان شناسایی کودکان در معرض خطر در قدم بعدی و پس از شناسایی عوامل خطر (کودکانی که نه بزهکارند و نه بزه دیده) و از این جهت که ممکن است خود بزه دیده تلقی شده و یا بیم آن می رود که چنین کودکی به لحاظ تاثیر همسوی عوامل زیانبار بر شخص بزهکار تلقی شود، در کنار شناسایی عوامل خطر ساز نیز به عنوان وظیفه اصلی نهاد آموزش در امر پیشگیری محسوب می شود (نجفی ابرندآبادی، اردبیلی، ۱۳۸۶: ۵۵). در این زمینه نتایج تحقیق احمدی موسوی (۱۳۹۲) در خصوص جایگاه نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان حاکی از آن است که اجرای طرح توانمندسازی گروه‌های ذینفع از جمله خانواده‌ها و والدین دانش‌آموزان در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی توسط مدارس، تأثیر معناداری بر ارتقای سطح سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان دارد. هماهنگی و همکاری نظام آموزش و پرورش با والدین و خانواده، با مرکزیت و پشتیبانی نظام آموزشی، در روند پرورش و آموزش کودکان و ایجاد رویه ای واحد در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است. در این باره می توان به اجرای طرح‌های پیشگیرانه مشارکتی با محوریت مدرسه اشاره کرد. این طرح‌ها که عمدتاً در راستای پیشگیری از اعتیاد در جامعه و بهره‌گیری از مشارکت درون بخشی و برون بخشی نهاد آموزش به اجرا در می آید با مشارکت گروه‌های مرتبط با مدرسه، نظیر والدین، در کنار یک تسهیل‌گر کارشناس طراحی و اجرا می‌گردد. یافته‌های محمدی، بیژنی و حاتمی (۱۳۹۷) در خصوص نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد، حاکی از آن است که تعامل بین مدرسه، خانواده و آگاه‌سازی افراد از طریق رسانه ارتباط معناداری بر پیشگیری از وقوع جرم دارد. دولت‌ها از طریق آموزش‌های مدرسه ای و با تعامل مدرسه با سایر نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، سازمانهای مردم‌بهره‌گیری از رسانه‌ها می‌توانند وظایف خود را بهتر و مؤثرتر در راستای پیشگیری از جرم به انجام رسانند. مهدوی (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «اطفال و نوجوانان در معرض خطر» به این نتیجه رسید که عوامل خطر دچار پیوستگی و تعامل با یکدیگر و در نهایت تشدید خطر می‌شوند؛ بنابراین آموزش و ترویج مهارت‌های کنترلی، سبب افزایش توان مدیریتی در خنثی‌سازی، مقاومت و محدود

کردن عوامل خطر، بزهکاری و بزه دیدگی می شود، این امر هم شامل آموزش های والدین و سایر مرتبطان با کودکان از جمله مربیان مدارس شده و هم خود کودکان را نیز در بر می گیرد. ابراهیمی (۱۳۹۰) نشان داد که عدم کارکرد صحیح عوامل حمایتی چون کانون حمایت خانواده، عشق والدین، آموزش مدرسه، کودکانستان و... که سبب رابطه تعاملی سازنده شخص با مربیان، آموزگاران، دوستان و خانواده فرد می شود، عوامل خطر را ایجاد می کند. پژوهش برماس (۱۳۸۷)، نشان داد دانش آموزانی که دوره آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر را گذرانند، نگرش منفی تری به سوء مصرف مواد مخدر از گروه آموزش ندیده دارند و آموزش و آگاه سازی از طریق در اختیار گذاشتن اطلاعات مؤثر پیرامون مزایا و معایب هر موضوعی از جمله سوء مصرف مواد می تواند نگرش فرد را در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری تغییر دهد. کیخانی و مرزیه (۱۳۹۶) در خصوص نظم و انضباط در مدرسه و راهکارهای جلوگیری از بی نظمی در دانش آموزان نشان داد در مدرسی که نظم و انضباط آموزش داده می شود جریان - یاددهی یادگیری هر روز بهبود می یابد و تعلیم و تربیت، هیجانی و شوق انگیز می شود و مدرسه به سوی مدرسه سالم سوق داده می شود و در پی آن دانش آموزان با انضباط، وقتی پا به اجتماع میگذارند، سریعاً خود را با اجتماع هماهنگ می کنند و به دنبال اهداف از پیش تعیین شده خود می روند در نتیجه کمتر خود را در معرض عوامل خطر ساز قرار می دهند. هاستینگ (۲۰۰۱) در پژوهشی که در رابطه با نقش محیط بر رفتار انسانها در مناطق مرفه و فقیرانجام داد دریافت اگر شرایط محیط مساعد و سالم باشد رفتارها بهنجار است. در غیر این صورت ناسازگاری افراد غیر منتظره نیست. محیط اجتماعی بر روی فرد اثر می گذارد و به جرائم مختلف شکل می دهد یا آنها را از بین می برد. تحلیل و ارزیابی یافته های فارینگتون و ولز (۲۰۰۳) در خصوص برنامه های مبتنی بر آموزش والدین، گویای این مطلب بود که برنامه های مبتنی بر آموزش والدین در کاهش بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر است و خانواده دانش آموزانی که آموزش دیده اند آمار بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی فرزندان کاهش یافته است. آتکینسون (۱۳۸۵) در تحقیق خود تحت عنوان نقش مهم پلیس در پیشگیری، با همکاری مدارس و اولیای کودکان بیان می کند که در قالب طرح های منظم و هدفمند می توان از طریق شناسایی دانش آموزانی که در معرض خطر هستند با انجام مداخلات کارآمد و پیشگیرانه از بزه دیدگی آنان پیشگیری کرد. بر این اساس همکاری میان پلیس و مدارس گام بسیار مؤثری در جهت پیشگیری از بزه دیدگی کودکان می باشد. پژوهش اگر (۲۰۰۰) نشان داد ایجاد تعامل نزدیک و سازنده بین

دانش‌آموزان مدارس و پلیس و والدین با پلیس، آموزش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی به دانش‌آموزان، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری، افزایش حس خودباوری و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان خطر بزهکاری و یا بزه دیدگی را در آنها کاهش می‌دهد. نتایج ژرژ پیکا (۲۰۱۲) در خصوص سوء رفتار با کودکان، روابط ناموزون و قهرآمیز بین اطفال و والدین، اقدامات تنبیهی و تشویقی بی ضابطه و بی قاعده، بی‌اعتنایی والدین نسبت به رفتار با کودکان نشان می‌دهد که کودکانی که در معرض سوء رفتار در خانواده باشند، احتمال بیشتری دارد که از منزل فرار کنند. هر چند فرار، خود انحراف است؛ اما در غالب موارد می‌تواند زمینه ساز رفتارهای انحراف و بزهکاری دیگری از جمله سرقت، اعتیاد و... باشد. از طرف دیگر این افراد غالباً به علت عدم وجود مکان امن، در دام تبهکاران و افراد خلافکار گرفتار می‌شوند؛ بنابراین آموزش مهارت‌های فرزندپروری توسط مدارس به اولیاء می‌تواند خطر آسیب‌پذیری فرزندان در جامعه را کاهش دهد. در این پژوهش به طور کلی نقش مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال از طریق بررسی فرضیات زیر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است: مدارس از طریق آموزش‌های صحیح در خصوص موارد پرخطر به دانش‌آموزان، می‌توانند تعداد دانش‌آموزان بزهکار یا در معرض خطر را کاهش دهند. مدارس با برنامه‌های مدون تربیتی و ترمیمی در خصوص آموزش، آگاه‌سازی و مشارکت خانواده‌ها می‌توانند تا حدودی عوامل جرم‌زا را خنثی یا تقلیل داده و از تعداد دانش‌آموزان بزهکار بکاهند. مدارس که در برنامه‌های پیشگیرانه خود از همکاری نهادهای مرتبط با مدرسه مانند دعوت از کارشناسان پلیس، روانشناس خانواده و ... برای آموزش دانش‌آموزان و خانواده‌ها بهره می‌گیرند می‌توانند پیش‌تاز پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال باشند. از اینرو پژوهش حاضر درصدد بررسی این مساله است که مدارس چه نقشی در پیشگیری از جرم و بزهکاری اطفال می‌توانند ایفا کنند؟ افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها و دانش‌آموزان توسط مدارس چگونه قادر است عواملی که سبب بزهکاری اطفال می‌گردد را خنثی یا تقلیل دهد؟ در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال، نقش نهادهای مرتبط با مدرسه چیست؟

روش شناسی

محقق در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی وظایف آموزشی و پرورشی مدارس، به بررسی و استخراج ساحت‌هایی از فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که می‌تواند زمینه پیشگیری از بزهکاری را فراهم کند و همچنین نقش مدرسه در پیشگیری از بزهکاری پرداخته است. حوزه پژوهش کلیه متون روایی مرتبط با نقش تربیتی و پرورشی مدارس، پژوهش‌های انجام شده و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع الکترونیکی، تحقیقات انجام شده و مراجعه به برخی پرونده‌های تربیتی دانش‌آموزان بزهکار بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس رویکرد توصیفی تفسیری است.

یافته‌های پژوهش

از ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی و تعلیم و تربیت بدنی و زیستی است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۱)؛ که در این سه حوزه منحصرأ به نوعی از تربیت ورود می‌شود که مستقیم یا غیر مستقیم منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. از ۸ هدف کلی سند تحول بنیادین ۳ مورد، از ۱۴ هدف عملیاتی ۴ مورد و از ۳۳ راهبرد ۶ مورد آن به حوزه آسیب‌های اجتماعی تعلق دارد و در واقع هدف‌گذاری سند تحول بنیادین در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی است.

از اهداف عملیاتی سند تحول بنیادین، آموزش مهارت‌های مسئولیت‌پذیری و تعالی‌خواهی، مهارت‌های ارتباطی و احترام به قانون است که راهکارهای اجرایی زیر برای آن عنوان شده است:

- تدوین برنامه‌های عملیاتی مدارس در راستای آموزش، ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی در محیط‌های تربیتی با تأکید بر اولویت کرامت و عزت نفس، حیا و عفت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و نظم در زندگی

- توجه کافی به شرایط روحی دانش‌آموزان در سنین بلوغ و ارائه مشاوره و آموزش‌های دینی و

اخلاقی متناسب با آنها

- استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی مبتنی بر مبانی اسلامی و افزایش نقش معلمان در این

زمینه و به کارگیری مشاوران متخصص برای ایفای وظایف تخصصی در تمام پایه‌ها (سند تحول

بنیادین، ۱۳۹۰).

در تعلیم و تربیت بدنی و زیستی تأکید بر ورزش و تحرک است. ورزش می‌تواند به پیشگیری از بیماری‌های جسمی، روحی و روانی کمک کند. همچنین ورزش در پرکردن اوقات فراغت و کنترل خشم و ورود دانش آموز به حوزه کار اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. خانواده‌ها و معلمین دو گروه مؤثر در جامعه هستند که می‌توانند باعث تشویق به ورزش در جامعه شوند. طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان (نماد)، طرح یاریگران زندگی، طرح‌های چهارگانه پیشگیری رشدمدار، مدرسه ورزشی در چارچوب سند تحول بنیادین که در سال‌های اخیر در مدارس در حال اجرا هستند همگی مؤید اهمیت ساحت‌های تعلیم و تربیت اعتقادی و اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی و تربیت بدنی و زیستی است که با تأکید بر نقش مدارس در تامین بلوغ فکری و سلامت روانی کودکان و نوجوانان، اصلاح رفتارهای ناسازگار جهت پیشگیری از رفتارهای پرخطر، شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر و توجه به اوقات فراغت دانش‌آموزان در حال اجرا هستند. روش به کار گرفته شده در این دوره‌ها مبتنی بر پیشگیری رشدمدار است و در این نوع پیشگیری تلاش می‌شود با مداخله سریع و زودرس برای کودکی که قصد بروز رفتار بزهکارانه از خود را دارد از مزمن شدن آن و احتمال بزهکاری در آینده جلوگیری شود. دست اندرکاران تعلیم و تربیت ناگزیر از آن هستند که فعالیت‌های خود را بر مباحث فلسفی و روان‌شناختی استوار سازند تا بتوانند به صورتی نظام مند به تنظیم فعالیت‌های تعلیم و تربیت اقدام نمایند (باقری نوع پرست، ۱۳۹۰). دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) آشنایی نهادها با مبانی فلسفه تعلیم و تربیت را عامل مهمی در ایجاد نظم و حفظ همبستگی اجتماعی می‌داند؛ زیرا به عقیده او، نهادها و مؤسسات گوناگونی به عنوان هماهنگ‌کننده و نظم‌دهنده رفتارها و تعاملات افراد ایفای نقش می‌کنند. یکی از این نهادها، نهاد تعلیم و تربیت است که عامل مهمی در ایجاد نظم و حفظ همبستگی اجتماعی است؛ اما فقدان آن موجب بی‌سامانی و ناپه‌نجاری در اجتماع می‌گردد و زمینه ساز از هم‌گسیختگی، جامعه ناسالم و ایجاد بحران در جوامع است (قادری، غریبی، ۱۳۸۷). مطابق با اسناد محتوای فلسفه تربیت، رهنامه نظام تربیت رسمی و سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی، مسائل و امور مرتبط با تعلیم و تربیت باید در رأس برنامه‌ها قرار گرفته و بیشترین سرمایه‌گذاری‌های مالی و معنوی در راستای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی باشد. با مطالعه و تحلیل این اسناد و تحقیقات انجام شده در زمینه بزهکاری اطفال و با توجه به نقش تربیتی مدارس و مراجعه به برخی پرونده‌های تربیتی دانش‌آموزان بزهکار رهنمون‌های زیر در

عرصه نقش مدارس در آگاه سازی دانش آموزان، آموزش خانواده‌ها، نقش و همکاری نهادهای مرتبط با مدرسه احصاء شده است:

۱- نقش و جایگاه مدرسه در راهبرد کلی پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال

جدول (۱): مؤلفه‌ها و اوصاف مستخرج از متون در رابطه با نقش و جایگاه مدرسه در پیشگیری و

مدیریت بزهکاری

ردیف	عنوان متون یا سند	مؤلفه‌ها و اوصاف مستخرج از متون	نام محقق	سال انتشار
۱	جایگاه نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان	صرف مدت زمان زیادی از اوقات کودکان و نوجوانان در محیط آموزشی و دسترسی آسان و مستمر پرسنل مدرسه به دانش آموزان (کودکان و نوجوانان) و والدین آنان، از یک سو باعث می شود تا تشخیص کودکان در معرض خطر و مسئله دار و سوء استفاده و بی‌مبالاتی نسبت به آنان در این گونه محیط‌ها، نسبت به سایر محیط‌های اجتماعی مرتبط، با سرعت بیشتری امکان پذیر باشد و از سوی دیگر، طراحی، اجرا و در نهایت مدیریت برنامه‌ها و طرح‌های پیشگیرانه نسبت به کودکان و نوجوانان در معرض خطر و آسیب نیز در این محیط‌ها به دلیل دسترسی سریع و مستمر به والدین آنان به صورت مؤثر امکان اجرا پیدا می کند. مدرسه با برخورداری از توانایی آموزش و القای هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های زندگی در فرآیند جامعه پذیرسازی کودکان نقش مهمی دارد. تماس مستمر با کودکان در محیط مدرسه و کلاس درس امکان شناسایی کودکان در معرض خطر یا کودک مسئله دار را فراهم ساخته و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه را در مدرسه فراهم خواهد ساخت.	احمدی موسوی، سیدمهدی	۱۳۹۲
۲	بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی	گذراندن اوقات فراغت بدون نظارت و در مکان‌های نامتعارف، نداشتن برنامه برای گذراندن اوقات فراغت از جمله عوامل خطری هستند که احتمال ارتکاب جرایم مختلف را در کودکان و نوجوانان افزایش می دهند.	اکبری، لیلا	۱۳۸۰
۳	مبانی فلسفی و روان	تنظیم فعالیت‌های تعلیم و تربیت بر اساس مبناهای	باقری نوع	۱۳۹۰

	شناختی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سهروردی و هوسرل	فلسفی و روان شناختی صورت گیرد. با مداخله سریع و زودرس مدارس برای کودکی که قصد بروز رفتار بزهکارانه از خود را دارد می توان از مزمن شدن آن و احتمال بزهکاری در آینده جلوگیری کرد.	پرست، خسرو. باقری نوع پرست، محمدزهیر.
۴	کارایی دوره آموزشی فرد مدار در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر	آموزش و آگاه سازی از طریق در اختیار گذاشتن اطلاعات مؤثر پیرامون مزایا و معایب هر موضوعی از جمله سوء مصرف مواد می تواند نگرش فرد را در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری تغییر دهد.	۱۳۸۷ برماس، حامد
۵	عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان	بی توجهی معلمان و اولیای مدرسه به ایجاد انگیزه موفقیت تحصیلی به ویژه در دانش آموزان در معرض خطر افت تحصیلی، آنان را به سوی ترک تحصیل و در نهایت خطر بزه دیدگی سوق می دهد. کنترل رفتار کودکان به منظور جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله مشکلات انضباطی حاد از نقش‌های مهم کنترلی مدرسه است.	۱۳۷۵ بیابانگرد، اسماعیل
۶	مدارس بدون شکست	اگر محیط آموزشی و شخص معلم وظایف خود را درست ایفا کنند، نه تنها زمینه جهت گیری مثبت در طفل فراهم می شود، بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و دوستان نیز خنثی و بلااثر می گردد.	۱۳۸۴ گلاس، ویلیام
۷	اطفال و جوانان بزهکار	رابطه صمیمانه آموزگاران، مربیان و مشاوران مدرسه با کودکان و نوجوانان، توجه به استعدادها و توانایی‌های آنان توجه به شخصیت آنان، عدم تبعیض بین شاگردان، همکاری و مشورت با دانش آموزان، ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش آموزان با مشارکت دادن آنان در برخی از امور کلاس و مدرسه، آموزش تعاون و همکاری و سازش با دیگران از جمله عواملی در محیط تحصیلی هستند که می توانند احتمال ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان را کاهش دهند. انتخاب مربیان آموزش و پرورش از بین افرادی صورت گیرد که دارای تعادل روانی و حسن شهرت و علاقه مند به کودکان بوده و آشنایی کامل به علوم تربیتی و روان شناسی کودک داشته باشند.	۱۳۷۴ دانش، تاج الزمان
۸	مطالعه تطبیقی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در مدرسه	میانجیگری در مدرسه به شیوه مثبت و سازنده نقش مهمی در پیشگیری از مزمن شدن انحراف یا بزهکاری دارد. در واقع، ایجاد فرهنگ ترمیمی در مدرسه می تواند در جلوگیری از طرح دعوا در محاکم	۱۳۹۷ رضوانی، سودابه. کردعلیوند، روح الله.

		کیفیری نقش داشته و یکی از ابزارهای پیشگیری رشدمدار باشد.		
۱۳۹۵	سمیعی نژاد، بیژن.	رمز سلامتی و بالندگی جامعه و نظامهای تعلیم و تربیت را باید در سلامت، رشد و بالندگی معلم جستجو کرد.	طراحی الگوی تامین و تربیت معلم تراز جمهوری اسلامی ایران در دوره ابتدایی و دلالت‌های اجرای آن	۹
۱۳۹۰	دبیرخانسه شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی. تهران	از ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی و تعلیم و تربیت بدنی و زیستی است که در این سه حوزه منحصر به نوعی از تربیت ورود می شود که مستقیم یا غیر مستقیم منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی می گردد. هدف‌گذاری سند تحول بنیادین در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی، توجه به شرایط روحی دانش‌آموزان در سنین بلوغ، ارائه مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آنها در مدرسه، آموزش مهارت‌های مسئولیت‌پذیری و تعالی‌خواهی، مهارت‌های ارتباطی و احترام به قانون به دانش‌آموزان است. باید بیشترین سرمایه‌گذاری‌های مالی و معنوی در راستای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی باشد.	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۱۰
۱۳۹۴	دبیرخانسه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی	هدف از نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان تأمین و ارتقای مراقبت‌های اجتماعی از دانش‌آموزان، ارائه خدمات و برنامه‌ها شامل غربالگری، آموزش، توانمندسازی و حمایت‌های روانی اجتماعی، به منظور مراقبت دانش‌آموزان در برابر رفتارهای پرخطر، آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری از طریق مداخله به موقع و موثر با رویکرد توانمندسازی مدرسه محور است.	سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان	۱۱
۱۳۹۸	شایگان، فریبا. محمدخانی، سامک. کوهی، غلامرضا.	استفاده از اقدامات حمایتی و عاطفی و مشارکت فعال دانش‌آموزان در تنظیم سیاست‌ها و مقررات مربوط به مدرسه در پیشگیری و مدیریت بزهکاری و بکارگیری پلیس افتخاری از بین دانش‌آموزان در مدارس می تواند در پیشگیری از وقوع بزهکاری تأثیرگذار باشد.	نقش فعالیت‌های مدارس در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری نوجوانان	۱۲
۱۳۹۸	وزارت آموزش	هدف این طرح نقش آفرینی فعال مدارس در	شیوه نامه اجرایی طرح	۱۳

	و پرورش و ستاد مبارزه با مواد مخدر	مدیریت کلان فرهنگی و اجتماعی در کشور و چارچوب چرخش‌های تحولی تعریف شده در سند تحول بنیادین است که تربیت تمام ساحتی را مد نظر دارد.	یاربران زندگی	
۱۳۹۵	طاوسی، سیمکانی، رقیه. حقیقت، شهربانو.	اگر آموزش و پرورش بتواند آموزش‌های لازم را در زمینه حل مساله در امور اجتماعی و خانوادگی به فراگیران دهد بسیاری از بحران‌های خانوادگی، اجتماعی و بزهکاری‌ها یا رخ نمی دهد و یا قابل حل و پیشگیری خواهد بود.	بررسی تحلیلی نقش تعلیم و تربیت در جامعه پذیر کردن کودکان و نوجوانان در مدارس	۱۴
۱۳۹۶	غلامی هره دشتی، سهیلا، رشیدپور، رکسانا، مولایی، شرمین.	مدرسه و محیط آموزشی محل تکوین شخصیت جوان و نوجوان است. او در مدرسه می آموزد که چگونه با دیگران کنش و واکنش نشان دهد و ارتباط برقرار کند چگونه کردار و رفتار خود را براساس نرم‌های اجتماعی تنظیم و کنترل نماید. چگونه مسایل و مشکلات خود را حل کند. چگونه حد و مرز خود را حفظ کرده از آن تجاوز ننماید. چگونه دیگران و خود را بشناسد و به آنان احترام بگذارد. چگونه به مسئولیت و همکاری گروهی پی ببرد.	فلسفه بازی و نقش آن در بهداشت روانی کودکان	۱۵
۱۳۸۷	قادری، مهدی. غریبی، حسن.	نهاد تعلیم و تربیت عامل مهم ایجاد نظم و حفظ همبستگی اجتماعی است. فقدان آن موجب بی‌سامانی و نابهنجاری در اجتماع می‌گردد و زمینه ساز از هم‌گسیختگی، جامعه ناسالم و ایجاد بحران در جوامع است. مسئله تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی، یکی از مهم‌ترین مسائل است و اگر افراد جامعه از ابتدا مورد تعلیم و تربیت صحیح واقع شوند، بنیان یک زندگی اجتماعی سالم بر پایه ارزش‌ها و اصول انسانی ریخته می‌شود که موجب فراهم شدن سعادت، خیراندیشی، تقاهم و خوشبختی برای افراد اجتماع خواهد بود	تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی و دورکیم.	۱۶
۱۳۹۶	کیخانی، مهری. مرزیه، افسانه.	برقراری انضباط، روشی برای هموار کردن راه سالم زیستن، به‌منظور تحقق بخشیدن اهداف عالی تعلیم و تربیت است. دانش آموزان بانضباط، وقتی پا به اجتماع می‌گذارند، سریعاً خود را با اجتماع هماهنگ می‌کنند و به دنبال اهداف از پیش تعیین شده خود می‌روند در نتیجه کمتر خود را در معرض عوامل خطر ساز قرار می‌دهند.	نظم و انضباط در مدرسه و راهکارهای جلوگیری از بی‌نظمی در دانش آموزان	۱۷

		رعایت انضباط در مدرسه نه تنها یادگیری را فراهم می‌آورد بلکه به رشد سالم و شخصیت دانش‌آموز هم منجر می‌گردد.		
۱۳۸۶	متولی زاده نایینی، نفیسه.	تفریح یکی از حوائج ضروری بشری است، سبب رفع خستگی، تسکین اعصاب و آرامش روانی می‌گردد و در نتیجه عوامل خطر ساز را کاهش می‌دهد. افرادی که اوقات فراغت خود را به بطالت می‌گذرانند در مقایسه با افرادی که اوقات فراغت خود فعالیت‌های اجتماعی، هنری، سیاسی، مذهبی و ورزشی که از عوامل مهم انطباق با محیط اجتماعی است انجام می‌دهند بیشتر به ارتکاب جرایم مختلف کشانده می‌شوند.	پیشگیری رشدمدار (زودرس).	۱۸
۱۳۹۱	ملکی، حسن	برنامه ریزی برای آموزش و تربیت معلمان به عنوان پرچم داران نظام تعلیم و تربیت	صلاحیت‌های حرفه معلمی	۱۹
۱۳۹۱	برنگی	اهمیت مدرسه در موفقیت اجرای برنامه‌های آموزشی پیشگیری، به علت در اختیار داشتن گستردگی جمعیت تحت پوشش، دسترسی به دانش‌آموزان، نیروهای آموزشی و کارکنان می‌باشد. آموزش‌هایی که افراد در سنین پایین می‌بینند پایدارتر و تأثیر گذارتر است.	نقش و اهمیت مدرسه در پیشگیری از جرم	۲۰

فلسفه تعلیم و تربیت عصر ما با سال‌های گذشته متفاوت است. به این معنی هدف آموزش و پرورش تنها تعلیم دروس و دیگر مطالب فکری نیست بلکه پرورش جسم و روان به طور کلی مورد نظر است. البته نمی‌توان مسئولیت حفظ بهداشت روانی کودکان را فقط به عهده معلم گذارد زیرا در این کار مدرسه و مدیران و والدین نقش مهمی را نیز به عهده دارند. روی هم رفته هر کس به نحوی با کودکی یا نوجوانی سر و کار دارد و می‌خواهد برای آنها مفید بوده و رفتار صحیح داشته باشد باید به این علم توجه کند (ردل و واتنبرگ، ۱۳۵۳). یکی از مراحل تکوین شخصیت جوان و نوجوان مدرسه و محیط آموزشی است او در مدرسه می‌آموزد که چگونه با دیگران کنش و واکنش نشان دهد و ارتباط برقرار کند چگونه کردار و رفتار خود را براساس نرم‌های اجتماعی تنظیم و کنترل نماید. چگونه مسایل و مشکلات خود را حل کند. چگونه حد و مرز خود را حفظ کرده از آن تجاوز ننماید. چگونه دیگران و خود را بشناسد و به آنان احترام بگذارد. چگونه به مسئولیت و همکاری گروهی پی ببرد. از

این رو ملاحظه می شود که جریان‌ات تربیتی مزبور چه نقش عمده ای در تکوین شخصیت جوان ونوجوان دارند (غلامی هره دشتی، رشیدپور، مولایی، ۱۳۹۶). برنامه ریزی برای آموزش و تربیت معلمان از مهم ترین مسائل هر نظام آموزشی پویا و کارآمد به شمار می رود. با در نظر گرفتن چنین اولویتی برای نظام تعلیم و تربیت بهتر می توان به نقش و اهمیت تربیت معلمان که پرچم دار اصلی این حرکت هستند، پی برد (ملکی، ۱۳۹۱: ۴۵). در آموزش و پرورش به هیچ تحول علمی با نوآوری مطلوب نمی توان دست یافت مگر اینکه پیشاپیش در شیوه‌های کاری معلمان، به عنوان کارگزاران واقعی، تغییرات متناسب به وجود آید. رمز سلامتی و بالندگی نظام‌های تعلیم و تربیت را باید در سلامت، رشد و بالندگی معلم جستجو کرد (سمیعی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۳۲). براساس مبانی فلسفه تعلیم و تربیت درسند تحول بنیادین نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی تعریف می شود (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۶). مدرسه به عنوان گسترده ترین و در دسترس ترین محیط آموزشی است که دانش آموزان در آن احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس، موفقیت، شکست، محبوبیت و انزوا را تجربه می کنند. اهمیت مدرسه در موفقیت اجرای برنامه‌های آموزشی پیشگیری، به علت در اختیار داشتن گستردگی جمعیت تحت پوشش، دسترسی به دانش آموزان، نیروهای آموزشی و کارکنان می باشد و تحقیقات نشان می دهد آموزش هایی که افراد در سنین پایین می بینند پایدارتر و تأثیر گذارتر است (برنگی، ۱۳۹۱). محیط آموزشی در تکوین شخصیت کودکان حائز اهمیت فراوانی است، زیرا مدرسه به مثابه اولین محیط خارج از خانه و معلم به عنوان اولین فرد بیگانه اثر تربیتی و پرورشی فراوان بر طفل دارند. اگر محیط آموزشی و شخص معلم وظایف خود را درست ایفا کنند، نه تنها زمینه جهت گیری مثبت در طفل فراهم می شود، بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و دوستان نیز خنثی و بلااثر می گردد (گلاسر، ۱۳۸۴: ۱۵۲). نهاد آموزش به عنوان یکی از مهم ترین نهادها در عرصه پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان محسوب می شود. وجود فرصت مناسب در اعمال و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، امکان ارتباط مؤثر و وسیع این نهاد با دیگر نهادها، از جمله خانواده و نهادهای اجرایی و حمایتی و اثر گذاری بهتر برنامه‌های پیشگیرانه در محیط‌های آموزشی، مدرسه را به عنوان نهادی پیشرو در طراحی و اعمال برنامه‌های پیشگیرانه بدل ساخته است. تأکید عهدنامه‌های بین المللی و مقررات داخلی مبنی بر گسترش آموزش و پرورش مناسب و بدون تبعیض و توسعه نقش مدارس در پیشگیری مرتبط با

کودکان، خود گویای ارزش و اهمیت این نهاد در مقوله پیشگیری است. مدرسه با برخورداری از توانایی آموزش و القای هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های زندگی در فرآیند جامعه پذیرسازی کودکان نقش مهمی دارد. از دیگر سو تماس مستمر با کودکان در محیط مدرسه و کلاس درس امکان شناسایی کودکان در معرض خطر یا کودک مسئله دار را فراهم ساخته و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه را در مدرسه فراهم خواهد ساخت، اجرای برنامه‌های پیشگیرانه با محوریت نهاد آموزش و پرورش در سه بعد برنامه‌های مربوط به کودکان و برنامه‌های مرتبط با والدین و معلمان آنها در قالب اعمال راهکارهای وضعی و به خصوص اجتماعی است (احمدی موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۳ - ۱۱۱). در اهمیت نقش پیشگیری در آموزش و پرورش می‌توان به ماده ۵ آئین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ اشاره کرد که در آن، وزارت آموزش و پرورش مکلف است تدابیری را برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان و شناسایی کودکان در معرض خطر فراهم آورد. ماده ۵ آئین نامه مقرر می‌دارد: وزارت آموزش و پرورش موظف است با اتخاذ تدابیر لازم نسبت به اجرای موارد ذیل در وزارتخانه و ادارات تابعه اقدام نماید:

- ۱- ارائه و اجرای طرحهایی به منظور پیشگیری از اعتیاد و آلودگی به موادمخدر و افزایش آگاهیهای پرسنل (اداری و آموزشی)، دانش‌آموزان و انجمن اولیاء و مربیان.
- ۲- شناسایی دانش‌آموزان در معرض آسیب (دانش‌آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به معرفی آنان به مراجع پیشگیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزشهای لازم برای این نوع دانش‌آموزان
- ۳- شناسایی دانش‌آموزان معتاد، مصرف‌کننده یا توزیع‌کننده موادمخدر و اتخاذ تدابیر لازم جهت اقدامات درمانی، حمایتی، تأمینی و قانونی برای آنها.
- تبصره- انجام موارد مذکور باید به نحوی صورت پذیرد تا آسیب روانی و اجتماعی به اینگونه دانش‌آموزان وارد نیابد.

- ۴- فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، تبلیغاتی از طریق مقتضی
- ۵- اجرای برنامه‌های فرهنگی و تجهیز کتابخانه‌های مدارس و نیز گسترش مراکز مشاوره برای اوقات فراغت دانش‌آموزان

۶- تهیه و انتشار بروشورهای تبلیغی به منظور آگاهی دانش‌آموزان و خانواده آنها از اثرات و مضرات اعتیاد.

همچنین در مهرماه ۹۸ در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شیوه نامه اجرایی طرح یاریگران زندگی به مدارس ابلاغ گردید. طرح یاریگران زندگی نمونه ای از کوشش‌های وزارت آموزش و پرورش برای نقش آفرینی فعال مدارس در مدیریت کلان فرهنگی و اجتماعی در کشور و چارچوب چرخش‌های تحولی تعریف شده در سند تحول بنیادین است که تربیت تمام ساحتی را مد نظر دارد (شیوه نامه اجرایی طرح یاریگران زندگی، ۱۳۹۸: ۴). طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان (نماد)، نیز از دیگر کوشش‌های وزارت آموزش و پرورش برای نقش آفرینی فعال مدارس در آگاه سازی دانش‌آموزان، معلمان و اولیاء دانش‌آموزان می باشد که خوشبختانه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آسیب‌های اجتماعی در حوزه آموزش و پرورش کاهش داشته است. معلمان و اولیای مدرسه همواره باید خود را ملزم بدانند که در برنامه‌های آموزشی مشارکت دانش‌آموزان را جلب کرده و دانش‌آموزان را در خصوص ضرورت اجرای مقررات انضباطی و آموزشی قانع کنند. با اصلاح روشهای تدریس و ارزیابی، ایجاد انگیزه و تحکیم روابط میان دانش‌آموزان و اولیای مدرسه، بهبود محیط مدرسه از نظر کمی و کیفی، ارتقای استانداردهای کارکنان آموزشی و معلمین و مدیران مدارس، متناسب نمودن برنامه‌های درسی با نیازهای دانش‌آموزان و آموزش حقوق، مهارت‌های زندگی و حل مسأله به دانش‌آموزان می توان سطح آسیب پذیری کودکان و نوجوانان را کاهش داد و به حمایت از آنها پرداخت. در مدرسه کودکان و نوجوانان از آموزگاران مربیان و مشاوران خود توقع دارند که رابطه صمیمانه ای با آنها داشته باشند و همچنین به استعدادها و توانایی‌های آنان توجه و عنایت بیشتری مبذول گردد. توجه به شخصیت، عدم تبعیض بین شاگردان، همکاری و مشورت با دانش‌آموزان، استفاده از دروس عملی و وسایل کمک آموزشی نظیر فیلم و متکلم وحده نبودن معلم و ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان با مشارکت دادن آنان در برخی از امور کلاس و مدرسه از جمله عواملی در محیط تحصیلی هستند که می توانند احتمال ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان را کاهش دهند؛ بنابراین، برای نیل به این هدف، مربیان آموزش و پرورش که در عادت دادن کودکان به زندگی عادی اجتماعی وظایف خطیری را بر عهده دارند، بایستی از بین افرادی انتخاب شوند که دارای تعادل روانی و حسن شهرت و علاقه مند به کودکان بوده و آشنایی کامل به علوم تربیتی و روان شناسی کودک داشته باشند. مربیان نباید خود را فقط موظف به اجرای

برنامه‌های آموزشی بدانند، بلکه رسیدگی به وضع روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان با ایجاد روابط انسانی، رعایت اصول اخلاقی و مبانی مذهبی، آموزش تعاون و همکاری و سازش با دیگران از وظایف حتمی و اصلی آنان محسوب می‌شود (دانش، ۱۳۸۵: ۳۳۹). همچنین آموزش شیوه‌های حل اختلاف به طریق مسالمت آمیز به دانش‌آموزان می‌تواند دانش‌آموزان را برای زندگی توأم با صلح و آرامش در جامعه پرتنش آینده آماده کند و از این رهگذر یکی از ابزارهای پیشگیری بزهکاری اجتماعی نیز باشد. به این ترتیب نقش و رسالت مدرسه در آموزش شیوه‌های مؤثر حل تعارض به کودکان، آموزش روش‌های درک احساسات، آموزش‌های روان‌شناختی و سایر آموزش‌ها با توجه به حساسیت سنی خاص دانش‌آموزان در مقاطع مختلف از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

یکی از اساسی‌ترین مسئولیت‌های مدیران و معاونان آموزشی شناسایی مسائل دانش‌آموزان و توان حل آن‌هاست. از جمله این مسائل، مشکلات انضباطی دانش‌آموزان است. مسئله انضباط، موضوعی است که در همه سازمان‌های آموزشی، مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در همه مقاطع تحصیلی با آن درگیر هستند. از سویی شناخت مشکلات انضباطی دانش‌آموزان و شیوه‌های اصلاح آن‌ها در حیطه وظایف مدیر و معاون مدارس است. انضباط صحیح جز با شناخت مشکلات انضباطی و شیوه‌های مطلوب برخورد با آن‌ها از سوی مدیر و معاون برقرار نمی‌گردد. انضباط یکی از شرایط لازم اداره امور و حفظ و بقای هر سازمانی است. هرج‌ومرج و بی‌نظمی که ناشی از نبود مقررات، اجرا نشدن ضوابط است، حیات یک سازمان و حتی جامعه‌ای را درخطر می‌اندازد یا ریشه‌کن می‌کند. فلسفه انضباط در مدارس نیز ناشی از همان حقیقتی است که لزوم انضباط در بقیه گروه‌های اجتماعی و در کل در جامعه را مطرح می‌سازد. زمانی که فرد برخلاف مقررات گروه یا جامعه رفتار می‌کند او را فردی بی‌انضباط می‌خوانند، پیروی از مقررات گروه، فرهنگ، اجتماع، همان انضباط است. پس هدف از انضباط این است که فرد را قادر به سازش با قوانین و مقرراتی بکند که فرهنگ یک گروه را پذیرفته است، به طوری که رفتار خود را با توقعات و خواسته‌های سالم گروه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند هماهنگ نماید. لذا رعایت مقررات نه‌تنها برای حفظ آداب و رسوم مهم است بلکه برای شادی، سازگاری و آرامش خود فرد نیز اهمیت دارد؛ و هر فردی برای اینکه نیازها و آرزوهایش را با دیگران مطابقت دهد و مورد قبول و احترام آن‌ها واقع شود نیاز به انضباط و قوانین رفتاری دارد که همه این آموزش‌ها می‌تواند از طریق مدرسه صورت گیرد. رعایت انضباط در مدرسه نه‌تنها یادگیری را فراهم می‌آورد بلکه به رشد سالم و شخصیت دانش‌آموز هم منجر می‌گردد. دوام و

بقای نظام آموزش و پرورش، به منزله نهادی تربیتی و اثرگذار بر دانش آموزان، به نظم و انضباط داخلی آن بستگی دارد و بدون وجود مقررات و قواعد مشخص و کارآمد قادر به اجرای برنامه‌ها و دستیابی به اهداف خود نیست. برقراری انضباط، روشی برای هموار کردن راه سالم زیستن، به منظور تحقق بخشیدن اهداف عالی تعلیم و تربیت است (کیخانی و مرزیه، ۱۳۹۶: ۶۶). اجرای رویه‌های ترمیمی در مدرسه نیز می‌تواند به هنگام بروز اختلاف و مشکل به کار رود یا جنبه پیشگیرانه داشته باشد. میانجیگری در مدرسه به شیوه مثبت و سازنده و در مواردی مانند اعمال خشونت از سوی دانش آموزان با اعتیاد برخی از آنها، نقش مهمی در پیشگیری از مزمن شدن انحراف یا بزهکاری دارد. در واقع، ایجاد فرهنگ ترمیمی در مدرسه می‌تواند در جلوگیری از طرح دعوا در محاکم کیفری نقش داشته و یکی از ابزارهای پیشگیری رشدمدار باشد. با وجود این، اجرای رویه‌های ترمیمی در مدارس با چالش‌های بسیاری روبرو شده است؛ از جمله عدم آموزش کافی و مستمر به دانش آموزان میانجیگر، کاهش انگیزه و علاقه میانجیگران در اثنای طرح به دلیل نوع انتخاب یا رفتار نامناسب برخی دانش آموزان موقتی بودن طرح‌ها، تغییر نقش میانجیگر به نقش انتظامات به ویژه در مدارس پسرانه به دلیل عدم آموزش و نظارت و نیز روحیه قدرت طلبی، نبود امکانات مالی و وقت کافی برای اجرای بلندمدت طرح و عدم اعتماد برخی دانش آموزان به آنها (رضوانی، کردعلیوند، ۱۳۹۷: ۶۸۰).

۲- مدارس با برنامه‌های مدون تربیتی و ترمیمی با همکاری انجمن اولیاء و مربیان در خصوص آموزش، آگاه‌سازی و مشارکت خانواده‌ها می‌توانند تا حدودی عوامل جرم‌زا را خنثی یا تقلیل داده و از تعداد دانش آموزان بزهکار بکاهند.

جدول (۲): مؤلفه‌ها و اوصاف مستخرج از متون در رابطه با نقش و جایگاه مدرسه در تعامل با خانواده‌ها در پیشگیری

از بزهکاری

ردیف	عنوان متون یا سند	مؤلفه‌ها و اوصاف مستخرج از متون	نام محقق	سال انتشار
۱	نشست علمی کمیسیون حقوقی و قضایی آموزش دادگستری استان تهران	شناسایی عوامل خطر که ممکن است از مکان‌های اصلی جامعه پذیر شدن فرد، همچون خانواده، گروه، همسالان، محیط محلی و مدرسه یا از خصوصیات شخصی افراد مورد نظر ناشی شود، از مهم‌ترین وظایف نهاد آموزشی و متصدیان آن محسوب می‌شود.	نجفی ابرن‌آبادی، اردبیلی	۱۳۸۶
۲	مدارس بدون شکست	اگر محیط آموزشی و شخص معلم وظایف خود را درست ایفا کنند، نه تنها زمینه جهت‌گیری مثبت در طفل فراهم می‌شود، بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و دوستان نیز خنثی و بلااثر می‌گردد.	گلاسر، ویلیام	۱۳۸۴
۳	بهداشت روانی در آموزش	هدف آموزش و پرورش علاوه بر تعلیم دروس باید پرورش جسم و روان دانش‌آموزان باشد. مدرسه، مدیران و خانواده‌ها نقش مهمی در حفظ بهداشت روانی کودکان به عهده دارند	ردل، فرتیس. واتنبرگ، ویلیام.	۱۳۵۳
۴	سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان	فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت همسالان و نیز حمایت فعالانه خانواده‌ها می‌تواند میزان اثربخشی و نفوذ برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشگیرانه و توانمندساز را افزایش دهد. شناسایی و تقویت عوامل محافظت‌کننده دانش‌آموزان در معرض خطر در مدرسه، محله و خانواده، ارائه خدمات آموزشی پیشگیرانه به دانش‌آموزان لازم‌التوجه و آموزش خانواده‌های آنان در آگاه‌سازی و کاهش جرم اثری مثبت دارد.	دبیرخانه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی	۱۳۹۴
۵	بررسی پدیده اعتیاد با نگاه به نقش مدارس در آگاه‌سازی دانش آموزان	اغلب پرونده‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان بزهکار نشان می‌دهد این دانش‌آموزان سابقه ترک تحصیل داشته‌اند و همچنین دارای خانواده بی‌سواد و کم‌سواد و یا والد معتاد بوده‌اند.	قاسمی بجد، یاسین. اصغری درمیان، خدیدجه کبری.	۱۳۹۸
۶	نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولتها در	دولتها از طریق آموزش‌های مدرسه‌ای و با تعامل مدرسه با سایر نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، سازمان‌های مردم‌نهاد و بهره‌گیری از رسانه‌های می‌توانند وظایف خود را بهتر و مؤثرتر در راستای پیشگیری از جرم به انجام رسانند.	محمدی، شهرام. بیژنی میرزا، طیبه. حاتمی، مهدی.	۱۳۹۷

آموزش افراد			
۷	نقش و اهمیت مدرسه در پیشگیری از جرم	اهمیت مدرسه در موفقیت اجرای برنامه‌های آموزشی پیشگیری، به علت در اختیار داشتن گستردگی جمعیت تحت پوشش، دسترسی به دانش آموزان، والدین آنان و نیروهای آموزشی و کارکنان می باشد. آموزش هایی که افراد در سنین پایین می بینند پایدارتر و تأثیر گذارتر است.	برنگی ۱۳۹۱
۸	جایگاه خانواده و مدرسه در پیشگیری و کاهش جرم	مشارکت خانواده و مدرسه می تواند جایگاه بسیار مهمی در زندگی اطفال و شکل گیری شخصیت آنان داشته باشد و به همین جهت می تواند نقش مهمی در امر شناسایی کودکان بزهکار یا در معرض خطر بزهکاری و حل مشکلات آنان ایفا نماید.	کریمی، عبداللهی ۱۳۹۵
۹	برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین در مدارس	برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین در کاهش بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر است و خانواده دانش آموزانی که آموزش دیده اند آمار بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی فرزندان کاهش یافته است.	فارینگتون و ولز ۲۰۰۳
۱۰	جرم شناسی	سوء رفتار با کودکان، روابط ناموزون و قهرآمیز بین اطفال و والدین، اقدامات تنبیهی و تشویقی بی ضابطه و بی قاعده، بی اعتنایی والدین نسبت به رفتار با کودکان نشان می دهد که کودکانی که در معرض سوء رفتار در خانواده باشند، احتمال بیشتری دارد که از منزل فرار کنند. هر چند فرار، خود انحراف است؛ اما در غالب موارد می تواند زمینه ساز رفتارهای انحراف و بزهکاری دیگری از جمله سرقت، اعتیاد و... باشد. از طرف دیگر این افراد غالباً به علت عدم وجود مکان امن، در دام تبهکاران و افراد خلافکار گرفتار می شوند؛ بنابراین آموزش مهارت‌های فرزندپروری توسط مدارس به اولیاء می تواند خطر آسیب پذیری فرزندان در جامعه را کاهش دهد.	ژرژ پیکا ۲۰۱۲

مروری بر تحقیقات انجام شده در زمینه راهکارهای موفق برای حفظ و ارتقاء سلامت روانی اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نشان می دهد که فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت همسالان و نیز حمایت فعالانه والدین و کارکنان مدرسه می تواند میزان اثربخشی و نفوذ برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشگیرانه و توانمندساز را افزایش دهد. در طرح نماد که با همکاری ۹ وزارتخانه اجرا

می شود پیشگیری در سه محیط خانواده، مدرسه و گروه همسالان حائز اهمیت است زیرا بعد از ورود در این ۳ حوزه، کودک به عنوان یک شهروند آماده ورود به جامعه می شود. هدف کلی این طرح، توانمندسازی دانش آموزان و مقابله با آسیب های اجتماعی از طریق مداخله به موقع و موثر با استفاده از رویکرد پیشگیری رشد مدار است (سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان، ۱۳۹۵: ۲). صرف مدت زمان زیادی از اوقات کودکان و نوجوانان در محیط آموزشی و دسترسی آسان و مستمر پرسنل مدرسه به دانش آموزان (کودکان و نوجوانان) و والدین آنان، از یک سو باعث می شود تا تشخیص کودکان در معرض خطر و مسئله دار و سوء استفاده و بی مبالاتی نسبت به آنان در این گونه محیط ها، نسبت به سایر محیط های اجتماعی مرتبط، با سرعت بیشتری امکان پذیر باشد و از سوی دیگر، طراحی، اجرا و در نهایت مدیریت برنامه ها و طرح های پیشگیرانه نسبت به کودکان و نوجوانان در معرض خطر و آسیب نیز در این محیط ها به دلیل دسترسی سریع و مستمر به والدین آنان به صورت مؤثر امکان اجرا پیدا می کند (احمدی موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). اغلب پرونده های تحصیلی کودکان و نوجوانان بزهکار نشان می دهد این دانش آموزان سابقه ترک تحصیل داشته اند و همچنین دارای والدین بی سواد و کم سواد و یا والد معتاد بوده اند (قاسمی بجد، اصغری درمیان، ۱۳۹۸). طرح های اجرایی در آموزش و پرورش با هدف افزایش آگاهی دانش آموزان و خانواده ها انجام می شود و قطعاً اساسی ترین راه کاهش آسیب های اجتماعی افزایش آگاهی است. معلم و نظام آموزشی باید با جدیت و حساسیت مراقب نوسانات تحصیلی دانش آموز باشند و بروز نشانه های افت تحصیلی را به عنوان علائم خطری که ممکن است به جدایی کودک از نظام آموزشی منجر شود، تلقی کرده و نسبت به تقویت کودک و ترمیم نواقص منجر به افت تحصیلی وی اقدام کنند. نظام آموزشی برای ایجاد انگیزه موفقیت تحصیلی در دانش آموزان در معرض خطر افت و ترک تحصیل باید تلاش کند تا با هدف گذاری خاص، ارزش چنین موفقیتی را در نظر آنان بالا ببرد؛ چراکه بی توجهی معلمان و اولیای مدرسه به ایجاد انگیزه موفقیت تحصیلی به ویژه در دانش آموزان در معرض خطر افت تحصیلی، آنان را به سوی ترک تحصیل و در نهایت خطر بزه دیدگی سوق می دهد. کنترل رفتار کودکان به منظور جلوگیری از بروز آسیب های اجتماعی از جمله مشکلات انضباطی حاد از نقش های مهم کنترلی مدرسه است (بیابانگرد، ۱۳۷۵: ۱۲). با توجه به این که تربیت فرزندان سالم و بهنجار مستلزم آشنایی والدین از شیوه های مناسب و صحیح تربیت کودک و دارا بودن مهارت های فرزندپروری است و این که متأسفانه بیشتر والدین ایرانی، به

خصوص آنهايي که دارای فقر فرهنگی و اقتصادی هستند، فاقد چنين اطلاعات و مهارت هايی هستند، پس فعاليت‌های مدارس با همکاري انجمن اوليا و مربيان می تواند بر آموزش مهارت‌های یاد شده به والدين متمرکز شود. محتوای اين آموزش‌ها می تواند در زمينه شيوه‌های تربيتی کودکان و نوجوانان، شيوه برخورد با رفتارهای نادرست آنها، چگونگی برقراری ارتباط سازنده با نوجوانان و... باشد. یکی از برنامه‌های انجمن اوليا و مربيان می تواند برگزاری هفتگی کلاسهای آموزشی برای مادران باشد که در آن مهارت‌های فرزندپروری به مادران آموزش داده شود. طبق اساسنامه انجمن مرکزی اولياء و مربيان جمهوری اسلامی ايران مصوب ۱۳۶۷/۳/۱۹ انجمن مؤسسه‌ای است که زیر نظر مديریتي منصوب از جانب وزير آموزش و پرورش با عنوان قائم مقام وزير (نماینده تام الاختيار وزير) در اين زمينه و با بهره‌مندی از مشارکت و همیاری همه‌جانبه مردم به گردآوری، سازماندهی و عرضه خدمات تربيتی به شرح مندرج در اين اساسنامه اقدام می‌کند. طبق ماده ۱ اساسنامه اهداف انجمن به شرح زیر می باشد:

۱- آگاه‌تر ساختن پدران و مادران و مربيان به معارف اسلامی در رابطه با مسائل رشد و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان با توجه به نیازهای آنان از جهات مختلف معنوی، روانی، عاطفی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی

۲- تبیین مسؤولیت‌ها و تقویت احساس آن در اولياء و مربيان نسبت به مسائل پرورشی فرزندان.

۳- ایجاد و تقویت و تحکیم رابطه صمیمی بین اولياء و مربيان از یک طرف و فرزندان از طرف

دیگر

۴- فراهم کردن موجبات تحکیم میانی شخصیت و تقویت خودآگاهی در کودکان،

نوجوانان و جوانان

۵- مطالعه و بررسی علمی که موجب ناسازگاری و یا عواملی که مانع رشد بدنی و روانی کودکان،

نوجوانان و جوانان کشور بشود و پیداکردن راههای رفع علل و موانع بروز

۶- آشنا ساختن اولياء به مسائل اقتصادی خانواده و جامعه و تخصصهای ضروری و مورد نیاز کشور

جهت راهنمایی شغلی فرزندان شان

۷- جذب امکانات و نیروهای مردمی جهت مشارکت همه جانبه آنان در پیشبرد اهداف آموزش

و پرورش جمهوری اسلامی ايران

آموزش به اولیاء توسط مدارس می تواند شامل: آموزش تعلیم و تربیت کودکان، مدیریت خشم و عصبانیت، چگونه پدر و مادر و مربی مفیدی باشیم، روش خوب گوش دادن به کودکان، روش نقاشی با کودکان و آموزش حقوق کودک برای مادران و همچنین کلاسهای مشاوره گروهی رفتار با کودک در خانه و خانواده باشد.

۳. مدارس می که در برنامه‌های پیشگیرانه خود از تعامل با نهادهای مرتبط با مدرسه مانند دعوت از کارشناسان پلیس، روانشناس خانواده و ... برای آموزش دانش‌آموزان و خانواده‌ها بهره می گیرند می توانند پیشتاز پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال باشند.

جدول (۳): مؤلفه‌ها و اوصاف مستخرج از متون در رابطه با نقش و جایگاه مدرسه در تعامل با سایر نهادها در پیشگیری از بزهکاری

ردیف	عنوان متون یا سند	مؤلفه‌ها و اوصاف مستخرج از متون	نام محقق	سال انتشار
۱	جایگاه نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌پدگی کودکان	ارتباط مدرسه با متخصصان بهداشت روانی در زمینه پیشگیری از بزهکاری موثر است. مدرسه با برخورداری از توانایی آموزش و القای هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های زندگی با همکاری خانواده‌ها و سایر نهادها در فرآیند جامعه پذیرسازی کودکان نقش مهمی دارد. اجرای برنامه‌های پیشگیرانه با محوریت نهاد آموزش و پرورش در سه بعد برنامه‌های مربوط به کودکان و برنامه‌های مرتبط با والدین و معلمان آنها در قالب اعمال راهکارهای وضعی و به خصوص اجتماعی است.	احمدی موسوی، سیدمهدی	۱۳۹۲
۲	رویه‌های بین المللی پیشگیری از جرم	عدم کارکرد صحیح عوامل حمایتی چون کانون حمایت خانواده، عشق والدین، آموزش مدرسه، کودکان و ... که سبب رابطه تعاملی سازنده شخص با مربیان، آموزگاران، دوستان و خانواده فرد می شود، عوامل خطر را ایجاد می کند.	ابراهیمی، شهرام	۱۳۹۰
۳	سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان	شناسایی و تقویت عوامل محافظت کننده دانش‌آموزان در معرض خطر در مدرسه، محله و خانواده، ارائه خدمات آموزشی پیشگیرانه به دانش‌آموزان لازم توجه و خانواده‌های آنان، تهیه منابع آموزشی با همکاری دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری نظیر پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای حمایتی مانند بهزیستی و مراکز روانشناسی،	دبیرخانه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی	۱۳۹۴

		ارائه حمایت‌ها و خدمات مداخله ای روانی اجتماعی برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان از تمهیدات مشترک نهادهایی است که در راستای پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی با مدارس همکاری دارند.		
۱۳۸۵	نیازپور، امیرحسین.	تعامل نهادهای مرتبط با پیشگیری از جرم و کج روی با یکدیگر ضروری است، نهاد آموزشی مدرسه و پیش از مدرسه در راستای وظایف قانونی خود مبتنی بر حفاظت و حمایت جسمی و روانی از کودکان در محیط‌های آموزشی و جامعه پذیر کردن آنان با دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری نظیر پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای حمایتی ارتباط منطقی و مؤثرتری داراست. امری که نبود آن به عنوان آسیبی جدی در اجرا و مدیریت برنامه‌های پیشگیری محسوب می شود.	بازپروری بزهکاران در مقررات ایران	۴
۱۳۸۸	فرجیها، محمد.	شناسایی عوامل خطر و مدیریت خطر در راستای کاهش آسیب به کودکان، محصول تعامل نهادهای مختلف اعم از نهادهای آموزشی و اجرایی و حمایتی است؛ بنابراین در طرح ریزی برنامه‌های پیشگیرانه و نهایتاً ارزیابی صحیح این برنامه ها، توجه به رویکرد چند نهادی و تعامل مؤثر بین نهادها در این خصوص ضروری است.	رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم، چالشها و راهکارها	۵
۱۳۸۸	قاسمی کهریزسنگی، راضیه.	همراهی و تعامل نهاد آموزش و پرورش با دیگر نهادهای اجرایی، آموزشی و حمایتی نظیر پلیس و بهداشتی، امکان ارزیابی و مدیریت برنامه‌های پیشگیرانه مرتبط با کودکان را تقویت می کند.	رویکرد چندنهادی در پیشگیری از خشونت در مدارس	۶
۱۳۹۱	مهدوی، محمود.	افزایش سطح آگاهی مربیان، اولیاء و دانش‌آموزان توسط متخصصین و زمینه سازی ایجاد تفریحات سالم در خانه، مدرسه و محیط با کمک سایر نهادها از ابزارهای پیشگیری و مدیریت بزهکاری است. آموزش و بالا بردن آگاهی‌های عمومی در کاستن و خنثی سازی موقعیت خطر مشرف بر بزه دیدگی و بزهکاری کودکان مؤثر است.	اطفال و نوجوانان در معرض خطر	۷
۱۳۸۵	آتکینسون	در قالب طرح‌های منظم و هدفمند با همکاری پلیس با مدارس و اولیاء می توان از طریق شناسایی دانش آموزانی که در معرض خطر هستند با انجام مداخلات کارآمد و پیشگیرانه از بزه دیدگی آنان پیشگیری کرد. بر این اساس همکاری میان پلیس و مدارس گام بسیار مؤثری در جهت پیشگیری از بزه دیدگی کودکان می باشد.	نقش مهم پلیس در پیشگیری از جرم با همکاری مدارس	۸

۲۰۰۱	هاستینگ	اگر شرایط محیط مساعد و سالم باشد رفتارها بهتر است. در غیر این صورت ناسازگاری افراد غیر منتظره نیست. محیط اجتماعی بر روی فرد اثر می گذارد و به جرائم مختلف شکل می دهد یا آنها را از بین می برد.	نقش محیط بر رفتار انسانها در مناطق مرفه و فقیر	۹
۲۰۰۰	آگر	ایجاد تعامل نزدیک و سازنده بین دانش آموزان مدارس و پلیس و والدین با پلیس، آموزش مهارت های زندگی فردی و اجتماعی به دانش آموزان، ایجاد حس مسئولیت پذیری، افزایش حس خودباوری و اعتماد به نفس در دانش آموزان خطر بزهکاری و یا بزه دیدگی را در آنها کاهش می دهد.	بازگشت به مدرسه	۱۰

شناسایی عوامل خطر و مدیریت خطر در راستای کاهش آسیب به کودکان، محصول تعامل نهادهای مختلف - اعم از نهادهای آموزشی و اجرایی و حمایتی - است؛ بنابراین در طرح ریزی برنامه های پیشگیرانه و نهایتاً ارزیابی صحیح این برنامه ها، توجه به رویکرد چند نهادی و تعامل مؤثر بین نهادها در این خصوص ضروری است (فرجیها، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۴). پیشگیری از آسیب های اجتماعی و به دنبال آن پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان به مشارکت تمام دستگاهها نیاز دارد. هم اکنون در برخی مدارس کشور همیاری های مختلفی در قالب طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان (نماد) با همکاری و مشارکت ۹ نهاد در زمینه نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان شکل گرفته و در حال فعالیت می باشد. هریک از این تشکلهای و نهادهای ظرفیت این دارند که بخشی از مأموریتها برای ارتقاء سلامت روانی اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری را در همکاری با مدارس به عهده داشته باشند. منظور از نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان، مجموعه ای نظام یافته از خدمات و برنامه ها، شامل غربالگری، آموزش، توانمندسازی و حمایت های روانی اجتماعی، به منظور مراقبت دانش آموزان در برابر رفتارهای پرخطر، آسیب های اجتماعی و بزهکاری از طریق مداخله بموقع و موثر است (سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان، ۱۳۹۴: ۲). اهداف این طرح به شرح ذیل می باشد: هدف کلی: تامین و ارتقای مراقبتهای اجتماعی از دانش آموزان مدارس با رویکرد توانمندسازی مدرسه محور.

اهداف اختصاصی:

۱. استقرار نظام جامع مراقبت اجتماعی برای دانش آموزان (مدرسه محور، خانواده محور، محله محور) از طریق مشارکت بین بخشی مبتنی بر مدل بومی و سبک زندگی اسلامی - ایرانی

۲. گسترش آموزش‌های رشد مدار در زمینه پیشگیری از رفتارهای پرخطر، آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری

۳. ایجاد نظام شناسایی دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده از طریق چک‌لیست‌های علمی

۴. طراحی و توسعه مداخلات موثر حمایتی و توانمندسازی برای دانش‌آموزان

۵. استقرار نظام ارجاع مناسب ارائه خدمات و حمایت‌ها به دانش‌آموزان

۶. ظرفیت‌سازی جهت افزایش عوامل محافظت‌کننده و کاهش عوامل مخاطره‌آمیز دانش‌آموزان در مدرسه، خانواده و محله

۷. هم‌افزایی منابع و برنامه‌های دستگاهها و نهادها و بسیج ظرفیت مشارکت مردمی و خیریه برای نظام مراقبت‌های اجتماعی

ارتباط نهاد آموزش و پرورش با محیط‌های پرخطر و کودکان و نوجوانان در معرض خطر، بروز و نمود انحرافات رایج در محیط‌های آموزشی همچون خشونت، ناسازگاری و...، امکان اجرای برنامه‌های پیشگیرانه توسط این نهاد و نیز امکان ارزیابی این گونه برنامه‌ها در محیط‌های آموزشی، نهاد آموزش و پرورش را به عنوان یکی از ارکان پیشگیری مرتبط با کودکان بدل ساخته است. شناسایی عوامل خطر تنها محدود به مخاطرات در بستر محیط‌های آموزشی نیست و تمامی عوامل درونی و بیرونی خطرناک و مؤثر بر بزهکاری و بزه دیدگی کودکان را شامل می‌شود، بدین ترتیب شناسایی عوامل خطر را که می‌توان به بیان بهتر «مشکلات جامعه‌پذیری» نامید و ممکن است از مکان‌های اصلی جامعه‌پذیر شدن فرد، همچون خانواده، گروه، همسالان، محیط محلی و مدرسه یا از خصوصیات شخصی افراد مورد نظر ناشی شود، از مهم‌ترین وظایف نهاد آموزشی و متصدیان آن محسوب می‌شود (نجفی ابرنآبادی، اردبیلی، ۱۳۸۶: ۵۵). تعامل و همکاری مؤثری بین نهاد آموزش و پرورش با دیگر نهادها در اجرای برنامه‌های متعدد آموزشی مرتبط با دانش‌آموزان، معلمان و والدین از سوی نهاد آموزش، پلیس و نهادهای حمایتی صورت می‌گیرد. شناسایی و تقویت عوامل محافظت‌کننده دانش‌آموزان در معرض خطر در مدرسه، محله و خانواده، ارائه خدمات آموزشی پیشگیرانه به دانش‌آموزان لازم‌التوجه و خانواده‌های آنان، تهیه منابع آموزشی با همکاری دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری نظیر پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای حمایتی مانند بهزیستی و مراکز روانشناسی، ارائه حمایت‌ها و خدمات مداخله‌ای روانی اجتماعی برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان از تعهدات مشترک نهادهایی است که در راستای پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی با

مدارس همکاری دارند (سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان، ۱۳۹۴: ۶). ارتباط با متخصصان بهداشت روانی نیز در زمینه پیشگیری از بزهکاری موثر است. بیشتر کودکانی که دارای مشکلات بهداشت روانی هستند، هرگز به خدمات تخصصی که بدان نیازمندند، دسترسی ندارند و مؤسسات و نهادهای اساسی همچون مدارس باید به آنها توجه داشته باشند. بسیاری از معلمان ممتاز آگاهی چندانی از مسائل بهداشت روانی کودکان ندارند. شناخت و مهارت لازم برای مقابله با مسائل بهداشت روانی نیازمند دانش تخصصی است، گاهی حتی معلمان بسیار با تجربه هم هنگام برخورد با این شاگردان احساس ناتوانی می کنند. آنها ممکن است نسبت به روشی که باید در برخورد با این کودکان داشته باشند، مطمئن نباشند یا نگران باشند هر کار که انجام دهند مشکلات آنان را تشدید کند. از این رو ارتباط با متخصصان بهداشت برای ارائه اطلاعات به معلمان، اولیاء و دانش آموزان ضروری است (احمدی، موسوی، ۱۳۹۲). افزایش سطح آگاهی مربیان، اولیاء و دانش آموزان توسط متخصصین و زمینه سازی ایجاد تفریحات سالم در خانه، مدرسه و محیط از ابزارهای پیشگیری و مدیریت بزهکاری است. آموزش و بالا بردن آگاهی های عمومی در کاستن و خنثی سازی موقعیت خطر مشرف بر بزه دیدگی و بزهکاری کودکان مؤثر است (مهدهوی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین افزایش آگاهی دانش آموزان در زمینه خطرهای استعمال مواد مخدر و بزهکاری، ارتقای ظرفیت های روان شناختی و خود انگاره نوجوانان با ارایه منابعی به آنان برای مقاومت در برابر رفتار ضد اجتماعی، آموزش فنون مقاومت در برابر فشار همسالان، ایجاد برنامه های آموزشی اختصاصی به منظور تقویت موفقیت دانش آموزان ناسازگار و جلوگیری از شکست تحصیلی آنان، روابط فردی تر بین معلمان و دانش آموزان و ایجاد مشاوران خانه به مدرسه که به عنوان رابطین بین خانواده و مدرسه و در جهت تضمین همکاری بین والدین و اولیاء مدرسه عمل می کنند، دعوت از کارشناسان پلیس، روانشناس کودک و ... برای برگزاری کلاس هایی در مدرسه برای مربیان مرتبط با کودک، اولیاء و دانش آموزان از جمله راهکارهای موجود در مدرسه با همکاری نهادهای دیگر به منظور پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان می باشد. ایجاد تفریحات سالم هم در زمره عوامل حمایتی به شمار می آید. تفریح که یکی از حوائج ضروری بشری است، سبب رفع خستگی، تسکین اعصاب و آرامش روانی می گردد و در نتیجه عوامل خطر ساز را کاهش می دهد (متولی زاده نایینی، ۱۳۸۶: ۱۳۳). اردو هایی که مدارس برگزار می کنند، همکاری نهاد شهرداری و محیط زیست با برنامه های تفریحی مدرس همگی در ایجاد تفریحات سالم می توانند نقش مثبتی ایفا کنند. مراکز آموزشی و مدارس با

همکاری انجمن اولیاء و مربیان، پلیس، مراکز مشاوره و روان شناسی می توانند در ارائه راهکارهای علمی متناسب با شرایط فکری و فرهنگی جامعه، زمینه پیشگیری از وقوع جرم را فراهم کنند. راهکارهای پیشگیری باید با تدوین برنامه های آموزشی ای که روش تفکر و حل مسئله و ابراز وجود را امکانپذیر می کند همراه باشد. معاشرت و رفت و آمد با افراد حاشیه گرا و حاشیه نشین از نظر اجتماعی، وابستگی به یک فرقه، ترجیح فعالیت های تفریحی و گذراندن اوقات فراغت بدون نظارت و در مکانهای نامتعارف، گدایی و ولگردی، خشونت های تلویزیونی، فرار، نداشتن تفریحات سالم و برنامه ریزی برای گذراندن اوقات فراغت و زندگی در محله های بسیار فقیر و مملو از مشکلاتی مانند آلودگی، خرید و فروش مواد مخدر، مصرف مواد مخدر و الکل، جرم و جنایت، از جمله عوامل خطری هستند که احتمال ارتکاب جرایم مختلف را در کودکان و نوجوانان افزایش می دهند (اکبری، ۱۳۸۰: ۱۰۷). نقش مدارس در پیشگیری و مدیریت بزهکاری اطفال عبارتند از:

-مدیریت علمی و عاطفی معلمان در کلاس درس موجب می شود اطفال به سمت انواع انحرافات اجتماعی گرایش پیدا نکنند.

-مدرسه با تعامل با سایر نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، پلیس، قاضی، سازمانهای مردم نهاد و ... می تواند وظایف خود را بهتر و موثرتر در راستای پیشگیری از بزهکاری اطفال به انجام رساند.

-مدرسه با افزایش سطح آگاهی اطفال و خانواده آنها، ایجاد رویه های ترمیمی و شناسایی عوامل بزه در پیشگیری از بزهکاری اطفال جایگاه بی نظیری دارد. از این رو در نتیجه لطف وجود امکاناتی از قبیل معلم پرورشی، مشاور، معاون انضباطی، انجمن اولیاء و مربیان و نظارت مستقیم معلمان، پیشگیری از بزهکاری دانش آموزان در محیط مدرسه به شرطی که در تعامل با خانواده ها باشد نسبت به نهادهای دیگری که با پیشگیری از بزهکاری اطفال ارتباط دارند موثرتر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

بسیاری از بزهکاری ها و آسیب های که امروز در جامعه با آن مواجه هستیم نتیجه عدم توجه به مسائل پیشگیرانه و عدم صیانت از جامعه و ارکان اجتماع است. توجه به پرورش و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان باید یکی از اهداف مدارس باشد به نحوی که این آمادگی را در افراد ایجاد کند که در آینده بتوانند به طور منطقی و قانونی در فعالیت های سیاسی و اجتماعی بدون جاه طلبی و بازی های سیاسی مشارکت فعال داشته باشند. از طرفی اگر آموزش و پرورش بتواند آموزش های

لازم را در زمینه حل مساله در امور اجتماعی و خانوادگی به فراگیران دهد بسیاری از بحران‌های خانوادگی، اجتماعی و بزهکاری‌ها یا رخ نمی دهد و یا قابل حل و پیشگیری خواهد بود (طاوسی سیمکانی، حقیقت، ۱۳۹۵: ۴۳۶). در پاسخ به سؤال اول پژوهش توجه به راهبردهای ذیل توسط مدارس از اهمیت برخوردار است:

آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت حل مسأله، تصمیم گیری، مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع دیگران، تقویت مهارت نه گفتن، تقویت معنویت در مدارس به دانش‌آموزان - برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی معلمان در رفتار با دانش‌آموزان در معرض خطر- برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت دانش‌آموزان و اولیاء آنان مرتبط با آسیب‌هایی که بزهکاری کودکان را تقویت می کند - به کارگیری برنامه‌هایی در مدارس که احساس مسئولیت اجتماعی به دانش‌آموزان دهد می تواند در پیشگیری از بزه مؤثر باشد - جلب همکاری دیگر نهادها مانند مرکز پلیس، حوزه‌های علمیه در برگزاری کارگاه‌ها- انتشار بروشورهای آموزشی و آگاه بخشی به دانش‌آموزان و اولیاء در سطح مدرسه و خانواده - ایجاد زمینه‌های نظم و انضباط، خلاقیت و نوآوری در مدارس در راستای تربیت جامع و بالندگی اخلاقی و معنوی از دانش‌آموزان نوآور، خلاق و کارآفرین - فراهم کردن زمینه‌های لازم در مدرسه تا دانش‌آموزان دغدغه‌ها و مخاطرات خود را به شیوه ای امن و بدون ترس با اولیاء مدرسه در میان بگذارند - مشارکت دادن معلمان، اولیاء و دانش‌آموزان در برخی از تصمیم گیری‌ها و مشکلات مدرسه- فراهم کردن زمینه لازم برای پشتیبانی و حمایت‌های مادی و معنوی دیگر نهادهای مرتبط با پیشگیری از بزهکاری از دانش‌آموزان در معرض خطر. همچنین استفاده از اقدامات حمایتی و عاطفی و مشارکت فعال دانش‌آموزان در تنظیم سیاست‌ها و مقررات مربوط به نقش مدرسه در پیشگیری و مدیریت بزهکاری و بکارگیری پلیس افتخاری از بین دانش‌آموزان در مدارس می تواند در پیشگیری از وقوع بزهکاری تأثیرگذار باشد (شایگان، محمدخانی و کوهی، ۱۳۹۸).

در پاسخ به سؤال دوم می توان چنین اذعان نمود که توجه به راهبردهای ذیل توسط مدارس از اهمیت برخوردار است: ارتقای توانمندی‌های اولیاء برای مشارکت و تعامل مؤثر آنان در برنامه‌های حوزه پرورشی و تربیتی مدارس - برگزاری کارگاه‌های آگاهی بخشی به پدران و مادران در رابطه با مسائل رشد شخصیتی و هویتی کودکان، نوجوانان و جوانان، توجه به نیازهای آنان از جهات مختلف معنوی، روانی، عاطفی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی - تبیین وظایف و تقویت احساس

مسئولیت در اولیاء و مربیان نسبت به مسائل تربیتی و پرورشی فرزندان خود - ایجاد و تقویت و تحکیم رابطه صمیمی بین اولیاء و مربیان از یک طرف و فرزندان از طرف دیگر - مطالعه و بررسی علمی که موجب ناسازگاری دانش آموز با مدرسه، خانواده یا جامعه می شود و مداخله صحیح با همکاری اولیاء - آشنا ساختن اولیاء با نابهنجاری‌های موجود در جامعه و حساس کردن آنان به رفتار فرزندان در جهت پیشگیری اولیه از بزهکاری و ایجاد روابطی صمیمانه و دوستانه با فرزندان خود -

جذب امکانات و نیروهای مردمی جهت مشارکت آنان در پیشبرد اهداف پیشگیرانه مدارس

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش توجه به راهبردهای ذیل توسط مدارس از اهمیت برخوردار است: تأمین امنیت و رفع عوامل پر خطر در محلات نزدیک مدارس توسط نیروی انتظامی در همکاری با مدارس - افزایش سطح آگاهی مربیان، اولیاء و دانش‌آموزان از طریق ارتباط با متخصصان بهداشت روانی در زمینه پیشگیری از بزهکاری - ایجاد مشاوران خانه به مدرسه که به عنوان رابطین بین خانواده و مدرسه و در جهت تضمین همکاری بین والدین و اولیاء مدرسه عمل می کنند - اجرای برنامه‌های متعدد آموزشی و تربیتی مرتبط با دانش‌آموزان، معلمان و والدین از سوی مدرسه با همکاری پلیس و نهادهای حمایتی - همکاری نهاد شهرداری، محیط زیست و نیروی انتظامی با برنامه‌های تفریحی و اردویی مدارس در ایجاد تفریحات سالم مجموعه یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌هایی مانند تحقیق محمدی، بیژنی و حاتمی (۱۳۹۷) با عنوان «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد»، تحقیق احمدی موسوی (۱۳۹۲) با عنوان «جایگاه نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان»، پژوهش حسینی (۱۳۹۱) با عنوان «برنامه‌های عملی پیشگیری آموزشگاه محور از بزهکاری»، پژوهش دارابی و پاکروان نمین (۱۳۹۶) با عنوان «تأثیر حضور روان شناس مدارس در پیشگیری رشد مدار از بزهکاری اطفال»، دیدگاه متولی زاده نایینی (۱۳۸۶) در خصوص پیشگیری رشد مدار همخوانی دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می شوند:

- آموزش مهارت‌های زندگی و حل مسأله به دانش‌آموزان و خانواده آنان
- بکارگیری پلیس افتخاری در مدارس از بین دانش‌آموزان
- ایجاد برنامه‌های اوقات فراغت جهت کاهش گرایش‌های دانش‌آموزان به سمت پرخاشگری و

خشونت تدوین برنامه‌های درسی متناسب

-افزایش تعاملات میان دانش‌آموزان و معلم
-آگاه‌سازی اولیای دانش‌آموزان نسبت به خطرات و آسیب‌های اجتماعی موجود در جلسات اولیاء
و مربیان

- دعوت از ضابطان قضایی در جلسات اولیاء و مربیان
-کاستن از برنامه‌های تنبیهی و افزایش موارد تشویقی در مدارس



کتابنامه:

- آتکینسون، آن. پلیس جامعه محور در مدرسه. ترجمه: سروش بهربر. دانشگاه علوم انتظامی. ۱۳۸۵.
- آگر. ۲۰۰۰. بازگشت به مدرسه. نشریه پلیس. ماه دسامبر.
- ابراهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. جرم‌شناسی پیشگیری. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- احمدی موسوی، سیدمهدی. ۱۳۹۲. جایگاه نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۲۷.
- اکبری، لیلیا. ۱۳۸۰. بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
- الفت، محمداقرا. ۱۳۹۷. پیشگیری رشدمدار و حقوق بنیادین اطفال و نوجوانان. فصلنامه رهیافت پیشگیری. شماره ۱.
- بابائی، محمدعلی. انصاری، اسماعیل. ۱۳۹۳. تحلیل اقتصادی پیشگیری از جرم. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز. شماره ۱.
- باقری نوع پرست، خسرو. باقری نوع پرست، محمدزهیر. ۱۳۹۰. میانی فلسفی و روان‌شناختی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سه‌روردی و هوسرل. پژوهش‌نامه میانی تعلیم و تربیت. شماره ۱.
- برماس، حامد. ۱۳۸۷. کارایی دوره آموزشی فرد مدار در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر. مجله علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. سال هشتم. شماره ۲۹.
- بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۷۵. عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه علوم تربیتی. شماره ۸.
- حسینی، سید حمید. ۱۳۹۱. برنامه‌های عملی پیشگیری آموزشگاه محور از بزهکاری (مطالعه موردی؛ آموزشگاه‌های شهر تهران). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۲۵.
- دارابی، شهرداد. پاکروان‌نمین، مهدیه. ۱۳۹۶. تأثیر حضور روان‌شناس مدارس در پیشگیری رشد مدار از بزهکاری اطفال (با تأکید بر آموزه‌های اسلامی). فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی. سال هفتم. شماره ۲۹.
- دانش، تاج‌الزمان. ۱۳۷۴. اطفال و جوانان بزهکار. چاپ اول. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ردل، فرتیس. واتنبرگ، ویلیام. ۱۳۵۳. ترجمه وتلخیص، ناهیدفخرایی. بهداشت روانی در آموزش. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- رضوانی، سودابه. کردعلیوند، روح الله. ۱۳۹۷. مطالعه تطبیقی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در مدرسه. مطالعات حقوق تطبیقی. شماره ۲.
- ژرژ پیکا، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- سمیعی نژاد، بیژن. ۱۳۹۵. طراحی الگوی تامین و تربیت معلم تراز جمهوری اسلامی ایران در دوره ابتدایی و دلالت‌های اجرای آن. رساله دکتری. دانشگاه خوارزمی.
- سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان. ۱۳۹۴. دبیرخانه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. ۱۳۹۰. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی. تهران.
- شایگان، فریبا. محمدخانی، سامک. کوهی، غلامرضا. ۱۳۹۸. نقش فعالیت‌های مدارس در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری نوجوانان. فصلنامه دانش انتظامی کردستان. سال دهم. شماره دوم.
- شیوه نامه اجرایی طرح یاریگران زندگی. ۱۳۹۸. وزارت آموزش و پرورش و ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- صالحی، جواد. پورمحمی آبادی، حسین. سالاری راد، معصومه. ۱۳۹۱. بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری اولیه و ثانویه کودکان. مجله مهندسی فرهنگی. شماره ۷۳ و ۷۴.
- طاوسی سیمکانی، رقیه. حقیقت، شهربانو. ۱۳۹۵. بررسی تحلیلی نقش تعلیم و تربیت در جامعه پذیر کردن کودکان و نوجوانان در مدارس. هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. دانشگاه شیراز.
- غلامی هره دشتی، سهیلا. رشیدپور، رکسانا. مولایی، شرمین. ۱۳۹۶. فلسفه بازی و نقش آن در بهداشت روانی کودکان. نشریه فلسفه و کودک.
- فرجیها، محمد. ۱۳۸۸. رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم چالشها و راهکارها. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم. رویکرد چندنهادی به پیشگیری از وقوع جرم. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا. چاپ اول. تهران: چاپخانه معاونت آموزشی ناجا.
- قادری، مهدی. غریبی، حسن. ۱۳۸۷. تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی و دورکیم. پژوهش نامه معرفت. شماره ۱۳۰.
- قاسمی بجد، یاسین. اصغری درمیان، خدیجه کبری. ۱۳۹۸. بررسی پدیده اعتیاد با نگاه به نقش مدارس در آگاه سازی دانش آموزان. نخستین جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی، جایزه ویژه علامه جعفری (رض).

- قاسمی کهربزسنگی، راضیه. ۱۳۸۸. رویکرد چندنهادی در پیشگیری از خشونت در مدارس. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم. رویکرد چندنهادی به پیشگیری از وقوع جرم. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا. چاپ اول. تهران: چاپخانه معاونت آموزشی ناجا.
- کرمی، داود. عبدالهی، منوچهر. ۱۳۹۵. پیشگیری از بزهکاری اطفال با رویکرد خانواده و مدرسه مدار در سیاست جنایی ایران. تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل. شماره ۳۳.
- کیخانی، مهری. مرزیه، افسانه. ۱۳۹۶. نظم و انضباط در مدرسه و راهکارهای جلوگیری از بی نظمی در دانش آموزان. چهارمین کنفرانس بین المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی. تهران.
- گلاسر، ویلیام. ۱۳۸۴. مدارس بدون شکست. ترجمه ساره حمزه. تهران: رشد.
- لشنی پارسا، روح‌الله. ۱۳۸۷. پیشگیری و مقابله با جرم (چالشها و چشم اندازها). دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس. شماره ۱۹.
- متولی زاده نایینی، نفیسه. ۱۳۸۶. پیشگیری رشدمدار (زودرس). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره دوم.
- محمدی، شهرام. بیژنی میرزا، طیبه. حاتمی، مهدی. ۱۳۹۷. نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین المللی حاکم بر تعهد دولتها در آموزش افراد. فصلنامه علمی-پژوهشی تدریس پژوهی. شماره ۴.
- ملکی، حسن. ۱۳۹۱. صلاحیتهای حرفه معلمی. تهران: انتشارات مدرسه.
- مهدوی، محمود. ۱۳۹۱. اطفال و نوجوانان در معرض خطر. دایره المعارف علوم جنایی. مجموعه مقالات علوم جنایی. کتاب دوم. چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- میرمحمدصادقی، محمدحسین. ۱۳۸۲. پیشگیری از وقوع جرم. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۸۶. نشست علمی کمیسیون حقوقی و قضایی آموزش دادگستری استان تهران. نشریه حقوق (قضاوت).
- نیاز پور، امیرحسن. ۱۳۸۵. اقدامهای دستگاههای دولتی ایران در زمینه پیشگیری از بزهکاری. فصلنامه تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی. شماره ۲۰.
- نیازپور، امیرحسن. ۱۳۸۵. بازپروری بزهکاران در مقررات ایران. نشریه فقه و حقوق. شماره ۱۱.
- هاستینگ. ۲۰۰۱. پیشگیری از جرم در جوامع توسعه یافته. ترجمه حمیدرضا جاوید زاده.

The role of schools in the prevention and management of juvenile delinquency

Abdolmahdi Sharifnejad, Behnam Yosefian shorehdeli, mohammad javad baqizadeh

Abstract

The purpose of this study is to investigate the educational role of schools in the prevention and management of juvenile delinquency. In this study, while examining the role of teachers, counselors, programs of the Parents and Teachers Association, the cooperation of families with schools, considering the educational role of families, the effectiveness of school programs and education in reducing juvenile delinquency has been examined. In this research, using the method of qualitative content analysis of educational tasks in schools, the researcher has studied and extracted the foundations of the philosophy of education in crime prevention. The field of research is all narrative texts related to the educational role of schools, researchers and the document of fundamental transformation of education. Data collection in this library research and using electronic resources, research has been done and reference has been made to some educational files of delinquents. Data analysis in this study is based on a descriptive interpretive approach. Given that the individual's personality and social development is the result of the influence of the environment, and since students spend most of their time in school and family, schools can play an important role in preventing and managing students' delinquency with the cooperation of families.

Keywords: prevention, pediatrics, delinquency, school



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی